

درباره «ناجی شریفی زیندشتی، کارتل هروئین یا کارگزار میت و سپاه قدس»

هژیرپلاسچی

در چند روز گذشته گزارش مفصلی در سایت «ان.ان.اس.روژ» با عنوان «ناجی شریفی زیندشتی، کارتل هروئین یا کارگزار میت و سپاه قدس»* به قلم عمار گلی منتشر شده است که از نقش یک قاچاقچی بین‌المللی در ترورها و آدم‌ربایی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور پرده برمی‌دارد. در این گزارش به طور مشخص «ناجی شریفی زیندشتی» و باند او که نه تنها با سپاه قدس و وزارت اطلاعات ایران ارتباط داشته بلکه همچنین با مقام‌های متعددی در میت (دستگاه امنیتی ترکیه)، پلیس، دستگاه قضایی و دولت ترکیه و نیز با اداره‌ی مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده در ارتباط بوده، لاقفل مجری ترور سعید کریمیان (مدیر شبکه‌ی جم‌تی‌وی) و شریک کویتی او و مسعود مولوی از مقامات بلندپایه‌ی پیشین وزارت دفاع ایران و مدیر کانال تلگرامی «جعبه سیاه» شناخته شده و مشخص شده حبیب اسبورد (حبیب فرج‌الله چعب) از رهبران «جنبش نضال» (جنبش مبارزه‌ی عربی برای آزادی احواز) را در ترکیه ربوده و تحویل ایران داده است. در این گزارش همچنین تاکید شده: «همکاری ناجی شریفی زیندشتی با دستگاه‌های اطلاعاتی ایران در حوزه‌ی اجیر کردن آدم‌کش و کسب درآمد از طریق فروش محموله‌های مواد مخدر برای تامین بخشی از منابع مالی سپاه پاسداران بوده است. ناجی شریفی زیندشتی همچنین رابط نهاد‌های اطلاعاتی ایران با باندهای مافیایی و تبهکار اروپا بوده است.» در گزارشی که یک روز بعد توسط شاهد علوی نوشته شده اتهام همکاری در قتل قاضی غلامرضا منصور در رومانی نیز به اتهامات زیندشتی افزوده شده است.** در این گزارش‌ها علاوه بر موارد مهم و جالب، نکات دیگری هم وجود دارد که باید بر آنها انگشت گذاشت و آنها را برجسته کرد.

اول: بعد از بازداشت کسانی که در ترور رستوران میکونوس در برلین شرکت داشتند یا در تدارک آن نقش ویژه و اصلی را بر عهده گرفته بودند، محاکمه‌ی طولانی و دقیق آنها و صدور حکمی که در آن مقامات درجه‌ی اول جمهوری اسلامی به دلیل آمریت در ترور مسئول شناخته شده بودند، گفته می‌شد جمهوری

اسلامی انجام عملیات تروریستی علیه مخالفان خودش را در خاک اروپا متوقف کرده است. در حد دانسته‌های عمومی به راستی نیز تا چند سال چنین عملیاتی در خاک اروپا انجام نمی‌گرفت و جوخه‌های ترور وابسته به جمهوری اسلامی نیروی خودشان را صرف ترور مخالفان در ترکیه، پاکستان، کردستان عراق و حتا بغداد می‌کردند. *** استفاده از یک باند قاچاق بین‌المللی برای ترور مخالفان برای جمهوری اسلامی فواید گوناگونی داشته و دارد. در فقره‌ی ترور محمدرضا کلاهی و احمد مولا ابوناھض (احمد نیسی) در هلند نیز کسانی که در نهایت به عنوان عامل و آمر بازداشت شدند اعضای باندهای تبهکاری و مافیایی بودند. به همین دلیل به رغم بازداشت کسی که «آمر اصلی» ترورها خوانده می‌شود و اخراج بی‌سر و صدای دو دیپلمات ایرانی از هلند که به وزارت امور خارجه فرا خوانده شدند و سپس بدون هیچ توضیحی هلند را ترک کردند، همچنان «مدارک کافی» برای اثبات نقش جمهوری اسلامی در این ترورها وجود ندارد. چنان‌که یکی از عاملان ترور محمدرضا کلاهی در جریان بازجویی و دادگاه گفته است او برای انجام این قتل پول گرفته بوده و حتا نمی‌دانسته چه کسی را به قتل می‌رساند. این احتمال حتا در مورد «رضوان تاگی» که در دسامبر ۲۰۱۹ به عنوان متهم اصلی ترور کلاهی و ابوناھض در دوی بازداشت شد نیز وجود دارد. در واقع جمهوری اسلامی مسیر امن ترور و آدم‌ربایی را یافته و از آن بهره می‌برد: استفاده از باندهای تبهکاری و جنایتکاران بین‌المللی که در قبال پول مکفی از هر کارفرمای ناشناسی سفارش قتل قبول می‌کنند و اینک افشای همکاری «ناجی شریفی زیندشتی» با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد حتا سفارش‌دهنده نیز می‌تواند تنها یک واسطه باشد. برابر گزارش «ان.ان.اس.روژ» در سال ۲۰۱۵ لاقلاً پنج عضو باند رقیب زیندشتی، باندی که در ترور ناموفق او دست داشت اما در صحنه‌ی ترور دختر زیندشتی کشته شد، در هلند و توسط تبهکاران وابسته به زیندشتی کشته شده‌اند و یک تبهکار دیگر مقیم هلند که برای فرار از انتقام‌گیری زیندشتی به پاناما گریخته بود در همین کشور به قتل رسید. محمدرضا کلاهی در دسامبر ۲۰۱۵ و احمد نیسی در نوامبر ۲۰۱۷ در همین کشور کشته شده‌اند که اکنون روشن شده باند شریفی زیندشتی در آن نفوذ کافی و وافی داشته است. آیا این قتل‌ها به هم ربط دارند؟ این را نمی‌دانیم و شاید هرگز نفهمیم اما آنچه که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که جمهوری اسلامی بنا به هر دلیلی، که در جای خود باید به آن پرداخت، ترور مخالفانش را در خارج از

کشور، لافل از سال ۲۰۱۵ به طور جدی دوباره در دستور کار گذاشته و هرگونه اهمال و خوش‌بینی در روابط و عدم توجه به حفظ امنیت تنها می‌تواند منجر به ردیف شدن بدن‌های مشبک شود، چنان‌که پیش از این نیز چنین بود.

دوم: بعد از ربودن حبیب اسبوع از ترکیه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در بیانییهی اعلام کرد اسبوع را با «اقدامات تخصصی و ترکیبی» نیروهای این وزارتخانه بازداشت کرده است. اینک با افشای همکاری «ناجی شریفی زیندشتی» و باند او تنها گوشه‌ی کوچکی از ماهیت این «اقدامات تخصصی و ترکیبی» آشکار شده است. این اقدامات احتمالن همچنین با توجه به بازداشت رعدان خزعلی، جاسوس عراقی‌الاصل جمهوری اسلامی در سوئد که به دنبال یافتن آدرس محل زندگی رهبران جدایی‌طلبان عرب بوده، اقدام به ترور حبیب جبر که از او به عنوان «رییس جنبش آزادی‌بخش الاحواز» نام برده می‌شود توسط کارمند سفارت ایران در نروژ و کشاندن اسبوع به ترکیه که روایات گوناگونی در مورد ماهیت اقتصادی یا جنسی/عاطفی آن وجود دارد، شامل جاسوسی در اروپا، اقدام به قتل در صورت پیش آمدن امکان و دام‌گستری‌های اقتصادی یا جنسی و عاطفی می‌شده. و البته که در این تاکیدات روشن است که مخالفان جمهوری اسلامی با دست‌کم گرفتن قدرت حاکمان ایران و دنائت و شرارت آنها تنها مسیر جوخه‌های ترور را باز می‌کنند.

سوم: در بهمن ۱۳۹۸ سه عضو «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» در دانمارک به اتهام جاسوسی برای عربستان سعودی بازداشت شدند. بخشی از عملیات‌های ترور و آدم‌ربایی جمهوری اسلامی در اروپا و ترکیه را می‌توان در ادامه‌ی جنگ نیابتی‌ای خواند که در یک سوی آن جمهوری اسلامی و در سوی دیگر آن عربستان سعودی قرار دارند و البته ترکیه و اسرائیل در جای جای آن حاضرند. با این وجود در همین مدت قتل قاضی منصور و مسعود مولوی، ربودن روح‌الله زم و جمشید شارمهد، اقدام برای بمب‌گذاری در اجلاس سازمان مجاهدین خلق ایران و موارد مشابه نشان می‌دهد ترور و آدم‌ربایی یک شیوه‌ی رسمی در دستگاه حکمرانی جمهوری اسلامی است و هرگاه که لازم باشد آن را در دستور کار قرار می‌دهد. ماهیت ارتجاعی برخی از آنانی که ترور یا ربوده شده‌اند نباید موجب شود این تصویر اصلی را فراموش کنیم. برای جوخه‌های ترور جمهوری اسلامی «مترقی» و «مرتجع» تفاوتی ندارد، آنها مزدوران دستگاه جنایتند

و به اندازه‌ی کافی برای همه بمب و گونی دارند. بنابراین موضوع اصلی نه دفاع از «قربانیان» ترور و آدم‌ربایی بلکه هشیاری و مقابله‌ی موثر با دستگاهی است که هنوز صدها آدمکش و خبرچین و جاسوس در کشورهای دیگر دارد و پول کافی برای اجیر کردن تبهکاران بین‌المللی

چهارم: افشای همکاری «ناجی شریفی زیندشتی» و باند او با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی همچنین سیمای واقعی چپ‌نماهای محور مقاومتی را نیز پیش از پیش آشکار می‌کند. آنها که تلاش می‌کنند از جلادی مانند قاسم سلیمانی چهره‌ی عارفی پاک‌باخته بسازند و آنقدر بی‌شرم و آزرمند که تنها برای گنده‌سرمایه‌دار بی‌همه‌چیزی مانند محسن فخری‌زاده از سوراخ‌هایشان بیرون بیایند حالا روشن‌تر از گذشته باید از آن چیزی که باند ناجی شریفی زیندشتی تنها گوشه‌ی بسیار کوچکی از آن است دفاع کنند. عمق استراتژیک نظام «ضدامپریالیست» محبوب آنها که در مرکز «محور مقاومت» قرار دارد با همین اوباش در منطقه و در کشورهای دیگر به دست می‌آید. آنها همکاران خوش‌سیمای ناجی شریفی زیندشتی‌اند

گزارش عمار گلی در ان.ان.اس.روژ*

<https://bit.ly/38uVvqG>

گزارش شاهد علوی**

<https://bit.ly/34yQyM3>

در مورد ترورهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی بعد از ترور میکونوس در اینجا بیشتر بخوانید

<http://manjanigh.com/?p=2002>

از صفحه فیسبوک نویسنده